

پیشینه‌ی مدرسه‌ی «آلیانس»

از : مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

اشاره :

حدود هشتاد سال پیش ، مدرسه‌ی «آلیانس» هم‌زمان یا بعد از شکل‌گیری مدارس رسمی کشور ، در تعدادی از شهرهای ایران تأسیس و فعال گردید .
از آن‌جایی که شهر نهاوند از دیرباز محل سکونت خانواده‌های کلیمی بود مدرسه‌ی «آلیانس» در آن دایر شد .

این مدرسه بعدها به نام «اتحاد» تغییر نام یافت . در مدرسه‌ی «آلیانس» و «اتحاد» نه تنها کودکان کلیمی درس می‌خواندند ، بلکه کودکان مسئولین و طبقات مرفه شهر نیز در آن‌جا تحصیل می‌کردند .
اصولاً این مدارس در شهرهای متعدد ایران ، به دلیل داشتن برنامه‌ی درسی پیشرفته - نسبت به مدارس رسمی - مورد استقبال قرار می‌گرفت و عده‌ای از شخصیت‌های علمی و سیاسی گذشته‌ی ایران ، تحصیلات ابتدایی خود را در چنین مدارسی طی کرده‌اند .

ماهیت و انگیزه‌ی تأسیس چنین مدارسی در آن سال‌ها بر مردم و خانواده‌ها ناشناخته بود و اگر از آن‌ها استقبال می‌شد تنها برای کسب علم و دانش در آن‌ها بود .

اما در دهه‌های بعد ، به خصوص بعد از پیروزی انقلاب ، پیشینه‌ی تأسیس این مدارس مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت و نتیجه‌ی آن به اطلاع همگان رسید .

در شماره‌های قبلی این فصل‌نامه ، توضیحی به اختصار در باره‌ی پیشینه‌ی این مدرسه آمده است (فرهنگان ۶ ، ص ۱۲۲) . در این‌جا پیشینه‌ی مدرسه‌ی «آلیانس» عیناً به نقل از کتاب «سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران» ، تألیف مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ، سال ۱۳۸۱ (صفحات ۱۰۹ تا ۱۲۱) ، به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد .
«فرهنگان»

پس از سفر ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۸۷۳ میلادی، ۱۲۵۲ شمسی، و تلاش‌های هماهنگ و همسوی رهبران و سران یهود فرانسه، انگلستان، بلژیک، هلند، آلمان، اتریش و ...، جهت وادار کردن حکومت وقت ایران به اتخاذ سیاست‌های نوین جهت اعطای امتیاز به یهود، سرانجام موضوع تأسیس مدارس آلیانس بین شاه و میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) صدراعظم وقت با سران «اتحادیه جهانی اسرائیلی [آلیانس اسرائیلیت اونیورسال]»^۱ مورد توافق قرار گرفت.

در منابع یهودی در این باره آمده است:

در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۰ هجری، مؤسسات و نمایندگان آلیانس در غالب نقاط از او پذیرایی به عمل آوردند و یهودیان ایران را به وی توصیه نمودند. در (۱۳ ژوئیه) حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله در پاریس صورت مجلسی از بازدید آلیانس، با موافقت شاه، امضاء کرد که دارای تعهدات امیدبخشی درباره یهودیان ایران بود. یکی از آن تعهدات حمایت از مدارس یهود بود که آلیانس می‌خواست در ایران افتتاح کند.^۲

تاریخ یهود ایران، ماجرای ملاقات رهبران یهود اروپا و سران اتحادیه جهانی اسرائیلی را با ناصرالدین شاه به طور مبسوط ذکر کرده است:

دیروز شنبه ۱۲ ژوئیه ۱۸۷۳، طبق دعوتی که از کمیته مرکزی آلیانس به عمل آمده بود، در سر ساعت معین در هتل ریاست پارلمان فرانسه که فعلاً محل اقامت شاه ایران در پاریس است حضور به هم رساندند. جناب آقای میرزا ملکم خان وزیر امور خارجه ایران، هیئت کمیته مرکزی آلیانس را در سالون [سالن] پذیرایی به حضور شاه وارد نمود. موقعی که آقای (آدولف) کرمیو رئیس آلیانس می‌خواست شروع به

1- Alliance Israelite Universelle.

۲- پرویز رهبر، تاریخ یهود، چاپخانه‌ی سپهر، ۱۳۲۵، ص ۳۴۳.

صحبت نماید، اعلیحضرت وی را شناخته به او دست دادند. آقای کریمو این قسم شروع به سخن نمود. اعلیحضرتا آلیانس اسرائیلیت اونیورسل که نماینده آن، انجمن مرکزی می‌باشد فوق‌العاده افتخار دارد که به وی اجازه‌ی شرفیابی حضور داده شده است.

کریمو در این دیدار با ارایه گزارشی از وضعیت و موقعیت یهود ایران و مراتب شاه دوستی و شاه‌پرستی آنان، با مقایسه ناصرالدین‌شاه و کورش پادشاه هخامنشی تقاضای اعطای برخی امتیازات برای یهود ایران را طرح می‌کند. سخنرانی کریمو ناصرالدین شاه را چنان به هیجان می‌آورد که او صریحاً مراتب جانبداری خود و صدراعظم وقت از یهود را به نمایندگان یهودیان اروپا و آلیانس یادآور می‌شود:^۱

شاه با دست خود صدراعظم (میرزا حسین خان سپهسالار) را نشان داده و به زبان فرانسه فرمودند: این نخست‌وزیر حامی یهودیان است تا به اندازه‌ای که مسلمانان کینه به وی پیدا کردند. صدراعظم با تسمی تعظیم نمود.^۲

کریمو گفت: اعلیحضرتا آلیانس اسرائیلیت مایل است که رعایای یهود شما، نسبت به وظایفی که نسبت به وطن پرستی و پادشاه خود دارند آشنا گردند. لازم است که از طفولیت آن‌ها را به نتایج نیکوی فرهنگ آشنا ساخت. ما پیشنهاد می‌کنیم که در بعضی از شهرهای کشور شما (همان قسم که در شهرهای شرق کرده‌ایم) مدارس تأسیس نماییم که معلمین ما آن‌ها را اداره کنند. آیا این فکر مورد تصویب ملوکانه واقع خواهد گردید؟

۱- حبیب لوی، پیشین، صص ۷۰۷ و ۷۰۸. به نقل از بولتن سمستر اول ۱۸۷۳، ص ۱۷۶.

۲- همان منبع، صص ۷۱۰ و ۷۱۱.

شاه به زبان فرانسه جواب داده فرمودند: «بلی من از مدارس شما حمایت خواهم کرد. آقای کرمیو با صدراعظم موافقت نمائید و من آن را تصویب می‌کنم.»^۱

این مذاکرات منجر به تهیه‌ی نامه‌ای در چهار ماده توسط ادولف کرمیو رئیس وقت اتحادیه جهانی اسرائیلی [آلیانس اسرائیلیت اونیورسل] گردید که فوراً مورد تأیید و موافقت میرزا حسین خان سپه‌سالار صدراعظم وقت به نمایندگی از حکومت ایران قرار گرفت.

براساس توافق مزبور، هزینه‌ی تأسیس مدارس آلیانس به عهده دولت ایران و مخارج تحصیل، تعلیم و تربیت معلمان یهودی ویژه آلیانس در خارج از کشور، به عهده‌ی کمیته مرکزی آلیانس مستقر در فرانسه قرار گرفت.

البته تأسیس مدارس آلیانس در ایران و آغاز فعالیت آن پس از سفر بعدی ناصرالدین شاه به اروپا عمل گردید. پوشیده نماند که در این سفر ناصرالدین شاه عمدتاً میهمان شخصیت‌ها و محافل یهودی انگلستان بود.

لازم به تذکر است که در سفر سال ۱۸۸۹ میلادی، ۱۲۶۸ شمسی، ناصرالدین شاه به انگلیس، میهماندار او به نیابت از ملکه ویکتوریا، ولیعهد او ادوارد و دوستان یهودی او بودند:

در تابستان ۱۸۸۹، ناصرالدین شاه میهمان ویکتوریا، ملکه‌ی انگلیس، بود و ملکه میهمانداری او را به ادوارد و دوستانش واگذار کرد. در این سفر، بار اصلی پذیرایی از پادشاه ایران به دوش آلفرد و فردیناند روجیلد [یهودی] بود. به نوشته الفری، اکنون، سرآلبرت ساسون [یهودی]، که پیر و سالخورده بود، خود حکمران یک امپراتوری شرقی محسوب می‌شد. او در کنار ادوارد [ولیعهد وقت و پادشاه بعدی باعنوان ادوارد

هفتم] در انتظار ورود شاه ایران نشست. شاه در لندن برای شام میهمان روزبری‌ها (کنت و کنتس / حنار و چیلد) بود و فردای آن روز آلبرت [ساسون یهودی] او را به ناهار دعوت کرد. الفری معتقد است که توجه آلبرت ساسون به شاه ایران یک مسئله‌ی اخلاقی نبود.^۱

فراموش نشود که ارتباط محافل مرموز یهودی خارج از کشور با ناصرالدین شاه قاجار و دربار او از طریق یهودیانی که در دربار، که از سال ۱۸۵۵ تا ۱۸۶۰ میلادی، ۱۲۳۴ تا ۱۲۳۹ شمسی، طیب مخصوص ناصرالدین شاه بود تنها یک نمونه از آن روابط است.

به نوشته تاریخ یهودیان ایران، نام‌برده وسیله‌ای برای اطلاع یهودیان خارجی، خصوصاً انگلستان از وضع یهودیان ایران گردید.^۲

نمونه دیگر این ارتباط، حضور و نقش یحزقل، معروف به حکیم حق نظر از ثروتمندترین یهودیان ایران در دربار بود که به عنوان طیب مهدعلیا، مادر ناصرالدین شاه از آشپزخانه شاهی برای غذای ظهر و شب او سهم معین کرده بودند.

هم‌چنین داماد یحزقل، عزرا فرزند یعقوب نوه‌ی داود شیرازی از ثروتمندان معدود آن عصر بود که بین تهران و بغداد و تهران و منچستر انگلستان به امور تجاری اشتغال داشت.^۳

۱- عبدالله شهبازی، «نظریه‌ی توطئه»، صعود سلطنت پهلوی و تاریخ‌نگاری جدید در ایران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷، چاپ اول، صص ۹۹-۱۰۰، به نقل از:

Anthony Allfrey, *Edward VII and his Jewish court*, London: Weidenfeld & Nicolson, 1991

۲- ر.ک. حبیب لوی، ص ۶۳۵

۳- همان منبع، صص ۶۳۵ و ۶۳۶

بی‌شک حضور و رفت و آمد چنین افرادی به دربار که وسایل ارتباطی مرموز حکومت ایران با کانون‌های یهودی خارج از کشور به خصوص اروپا را فراهم می‌کردند از زوایای گوناگون قابل بررسی است.

به‌رحال حدود ۳۸ سال پس از تأسیس اتحادیه جهانی اسرائیلی در فرانسه، (۱۸۶۰ میلادی، ۱۲۳۹ شمسی) در سال ۱۸۹۸ میلادی، ۱۲۷۷ شمسی، مدارس آلیانس در ایران تأسیس و شروع به فعالیت نمود. درباره‌ی اهداف، عملکرد و سابقه‌ی فعالیت آلیانس در ایران، در یک نشریه‌ی یهودی چنین آمده است:

خدمات آلیانس به فرهنگ و جامعه، و حتی کشور، بر همه کس آشکار است. آقای کوهنکا ریاست دبیرستان‌های [مدارس] آلیانس در ایران پس از اظهار تبریکات خود و مؤسسه آلیانس به مناسبت [عید] پسخ نظریات زیر را درباره‌ی فعالیت‌های مؤسسات تابعه و متبوعه خود برای درج در روزنامه فرستادند که عیناً درج می‌شود:

آلیانس اینزرائیلت اونیورسل در تاریخ ۱۸۹۸ میلادی، ۱۲۷۷ شمسی [ه] درست در همان موقعی که جامعه اسرائیل ایران احتیاج مبرم به یک تشکیلات فرهنگی داشت. مدارس خود را در ایران دایر نموده، بدو در تهران و به تدریج در اکثر شهرستان‌های یهودی‌نشین ایران، دبستان‌ها و دبیرستان‌های [مدارس] متعدد تأسیس و مشغول کار شدند.

در حال حاضر [۱۳۳۴ ش] مؤسسه آلیانس در تهران دویاب دبیرستان پسرانه کامل (دبیرستان اتحاد و دبیرستان کوروش) و دویاب دبیرستان دخترانه و دویاب دبستان پسرانه و دخترانه دارد و در شهرستان‌های همدان، کرمانشاهان، سنندج، گروس،^۱

۱- در قدیم به شهرستان بیجار اطلاق می‌شد.

نهاوند، تویسرکان، بروجرد، اصفهان، یزد، کاشان، نیزدستان‌ها و دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه دارد که جمعاً ۸ هزار نفر از افراد این کشور در بناهای جدید و مدارس مدرن آن تحصیل می‌نمایند. مؤسسات آلیانس در ایران با اجرای برنامه‌های وزارت فرهنگ همواره اعتماد و دوستی و صمیمیت اولیاء امور وزارت فرهنگ را جلب نموده و از این دوستی توانسته است حداکثر استفاده را در بالا بردن سطح فرهنگ و تربیت فرزندان این آب و خاک ببرد. خوشوقت است وقتی ملاحظه می‌کند اکثر دانشمندان، نویسندگان و رجال سیاسی و نظامی این کشور از تحصیل کردگان مدارس آلیانس (اتحاد) می‌باشند و باز هم مزید افتخار است که همین تربیت یافتگان مدارس ایران امروز از بهترین دوستان این مؤسسه می‌باشند. در این راه پر افتخار آلیانس ایزرائیل دوستانی هم دارد که با کمک‌های مادی و معنوی خود تسهیلات لازم در راه پیشرفت مقاصد فرهنگی او را فراهم می‌سازند.^۱

درباره‌ی جایگاه و اهمیت فعالیت مؤسسات آلیانس در کشورهای مختلف، در تاریخ یهود ایران، چنین آمده است:

اهمیت و اثر اقدامات آلیانس برای یهودیان شرق و شمال آفریقا غیر قابل توصیف است و یهودیان این نواحی، آزادی و حتی حیات و ثروت خود را بایستی مدیون آلیانس بدانند. بعدها در سال ۱۸۷۱ در انگلستان *Anglo Jewish Association* و در سال ۱۸۷۳ نظیر آلیانس در وین پایتخت اطریش و در برلن هم در ۱۹۰۱ ایجاد گردید [...] تأسیس مدارس آلیانس در شمال آفریقا و شرق، نتایج مهمی را برای یهودیان آن نواحی در برداشت. در سال ۱۸۶۴ در طنجه مراکش و در ۱۸۶۵ در بغداد و در ۱۸۶۷ در آدرنه و در همین سال در پاریس مدرسه نورمال آلیانس برای تربیت معلمین ایجاد

۱- مجله‌ی عالم یهود، شماره ۱۷-۱۸، ۱۶ فروردین ۱۳۳۴ شمسی، ۶ آوریل ۱۹۵۴

شد و در سال ۱۸۸۲ مدرسه صنعتی اورشلیم و در ۱۸۶۹ مدرسه فلاحتی یافا تأسیس گردید.^۱

آنچه مسلم است، اتحادیه جهانی اسرائیلی یا آلیانس، یک سازمان سیاسی با اهداف صهیونیستی بوده که تحت پوشش فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی، اغراض خود را در ممالک مختلف جهان تعقیب می‌کرده است. برای پی‌بردن به ماهیت «آلیانس اسرائیل اونیورسل»، اشاره به گوشه‌ای از بیوگرافی سران و بانیان آن کافی است.

اسحاق موسی آدولف کرمیو^۲ (۱۷۹۶ - ۱۸۸۰ میلادی، ۱۱۷۵ - ۱۲۵۹ ش) از یهودیان برجسته فرانسوی در زمان خود بود. وی اولین رئیس اتحادیه جهانی اسرائیلی بود و تا سال ۱۸۸۰ / [۱۲۵۹ شمسی] زمان مرگ خود همچنان این سمت را حفظ کرد. به نوشته یکی از رهبران معروف صهیونیسم؛ کرمیو یک صهیونیست به معنی نوین این واژه نبود اما بدون اغراق می‌توان گفت که علایق وی به یهودیت، برداشت وی از عظمت قوم یهود و عشق وی به فلسطین، ماهیت صهیونیستی داشت [...] تصور کرمیو از آینده قوم یهود به جهان‌بینی روشنفکرانه وی ژرفا بخشید. برای کرمیو احیای سرزمین مقدس از اولویت ویژه‌ای برخوردار بود. وی می‌گفت امید به بازگشت به سرزمین مقدس، همچون خورشید، به زندگی ما پرتو افکنده است و به ما آرامش می‌بخشد.^۳

وی در جای دیگر گفته بود: باید اعتراف کرد که تاکنون توجه چندانی به مسأله‌ی شرق معطوف نشده است. درباره‌ی مدرسه کشاورزی «میکوه اسرائیل»^۴ در نزدیکی یافا (که توسط اتحادیه جهانی اسرائیلی تأسیس شده بود) گفت: این مدرسه در آینده به

۱- حیب لوی، ص ۶۹۵

2- Cremieux

۳- ناهوم سوکولوف، ج اول، صص ۲۵۹ تا ۲۶۲

4- Mikveh Israel

دژ بسیار مستحکمی تبدیل خواهد شد. وقتی یهودیان به سرزمین بومی خود پای بگذارند، دیگر هرگز آن را ترک نخواهند کرد. وی در تمامی سخنرانی‌هایش بر ضرورت فراگیری زبان عبری تورات تأکید می‌کرد.^۱

از دیگر اعضای اصلی، سرشناس و مؤسس اتحادیه جهانی اسرائیلی، آلبرت کوهن بود که طبق مندرجات تاریخ صهیونیسم، علاوه بر عضویت در «انجمن مرکزی یهودیان فرانسه»، ریاست «انجمن نیکوکاری پاریس» و ریاست «انجمن سرزمین موعود» را نیز به عهده داشت.

وی از جمله خدمتگزاران فداکار جامعه یهودیان پاریس بود اما پیش‌تر وقت خود را در جهت امور مربوط به فلسطین صرف کرد. [...] کوهن پس از تأسیس مدرسه کشاورزی میکوه اسرائیل چندین بار به فلسطین سفر کرد. وی در سال ۱۸۸۲ برای بازدید از یافا که آخرین بازدید او بود پاریس را به قصد فلسطین ترک کرد و در سر راه خود به فلسطین به لندن رفت تا درباره‌ی مسایل مهم مربوط به یهودیان ساکن این سرزمین با مسئولین سازمان یهودی انگلیسی مشورت کند. وی هنگام بازدید از این مدرسه کشاورزی در یافا درگذشت.^۲

طبق تحقیقات به عمل آمده؛ تا سال ۱۸۸۲ م [۱۲۶۱ شمسی]، تلاش صهیونیست‌ها برای ایجاد مجتمع‌ها و مستعمره‌های کشاورزی در فلسطین به سازمان‌های پوششی با عنوان خیریه محدود بود که معمولاً با حمایت مالی سرمایه‌داران یهود تشکیل می‌شد، مثل «سازمان عبری - لندن» برای استعمار ارض مقدس» که در سال ۱۸۶۱ م [۱۲۴۰ شمسی]، بنیاد یافت و «اتحادیه‌ی جهانی اسرائیلی» که در همین دوران در فرانسه

۱- همان منبع، ص ۲۶۴

۲- همان منبع، صص ۲۶۲ تا ۲۶۴

تأسیس شد و قصد داشت برای بهبود وضع یهودیان در جهان به طور اعم و در کشورهای اسلامی به طور اخص فعالیت کند. در سال ۱۸۷۰ م [۱۲۴۹ شمسی]، اتحادیه جهانی اسرائیلی (آلیانس) برای آموزش کشاورزی به یهودیان و اسکان آنها در فلسطین در سطحی گسترده، آموزشگاه کشاورزی «میکوه [اسرائیل]» را در نزدیکی یافا تأسیس کرد.^۱

در برخی منابع از مدارس آلیانس به عنوان ابزار صهیونیسم در مسیر پایه گذاری دولت صهیونیستی یاد شده است:

یهودیان شرق به ویژه در جهان اسلام، به ابزاری برای تشکیل [سازمان] یهود از طریق مدارس آلیانس و تبلیغات صهیونیسم، تبدیل گشته‌اند و بدین ترتیب هویت محلی خود را از دست داده و هویت جهانی یافته‌اند، که جوهر آن قطع ارتباط یهود با وطن خود و جذب آنها در میهن جدید می‌باشد.^۲

جذب کودکان مسلمان ایرانی توسط مراکز آموزشی آلیانس و آشنا سازی آنها با تعلیمات صهیونیستی، خطر خزنده‌ای در جامعه اسلامی ایران در مقاطعی از تاریخ معاصر بود که بعضی اندیشه‌مندان و عالمان اسلام به شدت نسبت به آن حساسیت داشتند و عکس‌العمل نشان می‌دادند.

در کتاب تاریخ یهود در این باره به واقعه‌ای اشاره شده که بسیار قابل تأمل است: در سال ۱۹۰۰ میلادی مدرسه آلیانس در اصفهان افتتاح گردید و چند سال بعد در سال ۱۹۰۷ سیدی [... از عالمان] از عده‌ای از بزرگان یهود تعهد گرفت [... که] اطفال

۱- عبدالوهاب کیالی، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه محمد جواهر کلام، مؤسسه انتشارات امیرکبیر،

سال ۱۳۶۶، چاپ اول، ص ۳۴

۲- سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی، ص ۴۰۹

مسلمان حق ندارند در مدارس یهود (آلیانس) حضور یابند، این دستورات هم در اثر دخالت وزیر مختار ایران عقیم ماند.^۱

این واقعه حکایت از آن دارد که اقلیت یهود در قبال اکثریت قاطع مسلمانان از نفوذ قابل توجهی در دستگاه حکومتی برخوردار بود و به طور همه‌جانبه از حمایت دولت بهره‌مند بوده است، به گونه‌ای که حکومت وقت در مقابل دستورات دینی عالمان مسلمان، مبنی بر ممانعت از حضور دانش‌آموزان مسلمان در مدارس آلیانس، ایستادگی می‌کردند.

جذب دانش‌آموزان مسلمان در مدارس آلیانس، برنامه‌ی حساب شده و با اغراض مشخص از سوی بعضی تشکل‌های یهودی بود که تا زمان سقوط سلطنت پهلوی در سال ۱۳۵۷، در ایران، استمرار داشت. این در حالی بود که؛ «بنابر گزارش‌های وزارت معارف، در مدارس آلیانس یهود چندان توجهی به زبان فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران نداشتند. برنامه‌های مدارس دولتی و آیین‌نامه‌های وزارت معارف را پشت گوش می‌انداختند.»^۲

اسناد و منابع تاریخی و نیز عملکرد و ماهیت مؤسسات آلیانس نشان می‌دهد که علی‌رغم تبلیغات و برنامه‌های آموزشی اعلام شده، این تشکیلات، اهداف پس‌پرده و مرموزی را در میان یهودیان کشورهای اسلامی دنبال می‌کرده است.

نویسنده‌ی تاریخ یهود ایران، پس از اشاره به ادعای «شاردن» نویسنده غربی - که نوشته بود: «یهودیان ایران بی‌سوادترین یهودیان جهان هستند» - به شدت نسبت به این

۱- پرویز رهبر، ص ۳۴۷

۲- یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر، جلد دوم، در صص ۵۵ تا ۱۳۰ این کتاب به آمار دانش‌آموزان مسلمان در بعضی مدارس آلیانس اشاره شده است.

عبارات عکس‌العمل نشان داده و اعتراض کرده و در صدد اثبات این مطلب است که یهودیان حتی قبل از فعالیت آلیانس در ایران دارای آزادی کامل در حوزه‌ی فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی بوده‌اند:

با این که هنوز مدارس آلیانس در ایران باز نشده بود [...] باز هم فرهنگ یهود بالاتر از هموطنان خود بود. ۹۰٪ یهودیان باسواد و از متن تورات و کتب انبیاء و از تاریخ ملت خود با اطلاع بودند.^۱

حتی قبل از افتتاح مدارس آلیانس در ایران مکتب‌خانه‌هایی که مدیران باسواد و فاضل آن‌ها را اداره می‌کردند در کلیه ایران وجود داشت.^۲

حبیب لوی با این نوشته نه فقط ادعای شاردن، بلکه حتی اظهارات خود را نیز نقض می‌کند. زیرا خود او نیز ایجاد مدارس آلیانس در ایران را ناشی از محرومیت یهود قلمداد کرده بود. در حالی که نوشته مزبور نشان می‌دهد که آلیانس نه با هدف ظاهری پیشبرد و گسترش آموزش و فرهنگ یهود بلکه با اغراض مرموز دیگری در ایران به‌وجود آمده بود.

به دلیل برخورداری یهود از امتیازات ویژه در دوره مختلف تاریخ معاصر ایران، عناصر صهیونیست آلیانس نیز در مراکز حساس حضور و نفوذ داشتند و بعضاً از موقعیت بسیار ممتاز برخوردار بودند که این مسأله از زوایای گوناگون قابل توجه است:

آدلف براسور رئیس سابق مدرسه آلیانس اصفهان که با مرحومه خانم خود سوابق درخشان و ممتدی در راه اصلاح امور فرهنگی و اجتماعی یهودیان داشت [...] در روز چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۲ در تهران فوت نمود. آن مرحوم در سال ۱۸۷۸ در شهر

۱- حبیب لوی، ص ۶۸۶

۲- همان منبع، ص ۴۲۲ پاورقی

بیروت متولد گردیده بود. پس از پایان تحصیلات خود در فرانسه به تعلیم در مدرسه کشاورزی «میفوه [میکوه] اسرائیل» پرداخته و بعدها در تونس و از میر به شغل تدریس مشغول و در سال ۱۹۰۷ به ایران آمده و به مقام ریاست مدرسه آلیانس اصفهان گماشته شد و در سال ۱۹۲۰ به دستور اعلیحضرت فقید [رضاشاه] به تدریس زبان فرانسه در مدرسه نظام اشتغال ورزید.^۱

مؤسسات و مراکز آموزشی وابسته و مرتبط با آلیانس تا سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران فعالیت داشتند و از طریق ارتباط با مرکزیت آن در فرانسه، به مدت حدود ۸۰ سال اهداف اتحادیه جهانی اسرائیلی مستقر در پاریس را در ایران تعقیب می‌کردند. در خلال مدت مزبور نمایندگان اعزامی و نیز رؤسا و رهبران اتحادیه جهانی اسرائیلی مستقر در فرانسه در میان یهودیان ایران رفت و آمد داشتند و همواره در مسیر پیشبرد اهداف این تشکیلات می‌کوشیدند.

در یک سند به‌جا مانده از ساواک در سال ۱۳۴۵ چنین گزارش شده است:
طبق اطلاع واصله از تهران، ساعت ۱۸ روز ۴۵/۱۰/۱۵ از طرف انجمن فرهنگی و خیریه یهود ایران مجلس کوکلتی به مناسبت ورود آقای ژرارد اسرائیل معاون دبیرکل مؤسسه مرکزی آلیانس اسرائیلیت اونیورسل به ایران در هتل کمودور تشکیل گردید که در آن مجلس آقایان نماینده آژانس یهود در ایران، کشفی نماینده اقلیت کلیمیان در مجلس شورای ملی، القانیان^۲ و ۲۰۰ نفر از کلیمیان مقیم تهران ترتیب داده شده و

۱- حیب لوی، ج سوم، صص ۹۸۸ و ۹۸۹

۲- حیب القانیان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران یهود ایران بود که سالیان دراز ریاست انجمن کلیمیان تهران را نیز بر عهده داشت. وی با اکثر سازمان‌ها و انجمن‌های یهودی و صهیونیستی فعال در ایران ارتباط و همکاری داشت. القانیان ضمن کمک‌های مالی سرشار به اسرائیل، بخشی از

ساعت ۳۰: ۲۰ مدعوین متفرق گردیده‌اند.^۱

مطابق اسناد ساواک، همه‌ساله، یکی از رؤسا و مسئولان بلندمرتبه اتحادیه جهانی اسرائیلی مستقر در فرانسه به ایران اعزام می‌شد و به شهرهای مختلف یهودی نشین سرکشی می‌کرد و بازدید به عمل می‌آورد.

در گزارش دیگر ساواک در این باره آمده است:

موضوع: ژرارد اسرائیل

۱- نامبرده بالا طبق معمول همه‌ساله که از طرف مؤسسه آلیانس اسرائیلیت فرانسه بازرسانی به تهران جهت بازرسی مدارس تهران، اصفهان، شیراز، یزد و غیره اعزام می‌دارد، به تهران وارد شده است.

۲- مشارالیه از طرف کسی قبلاً دعوت نشده بود.

۳- در مدت اقامت خود سرکشی به مؤسسه‌ی فرهنگی آلیانس و اغلب مؤسسات فرهنگی و بهداشتی در تهران نموده است.^۲

سرمایه خود را به منظور حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی به کار گرفته و در زمینه‌های مختلف هتل سازی، بانکداری، خانه سازی و ... سرمایه گذاری کرده بود. سرمایه بی حد و حصر او موجب شده بود تا جایگاه برجسته‌ای در محافل اسرائیلی و صهیونیستی پیدا کند. القانیان جزو اولین سرمایه‌داران یهود ایران بود که در اتاق بازرگانی و صنایع ایران شاهنشاهی عضویت داشت. اربه لوین معاون سفارت و نمایندگی رژیم صهیونیستی در ایران عصر پهلوی، ضمن ستایش و تمجید از خدمات القانیان به آرمان صهیونیسم می‌نویسد: «حاج حبیب القانیان در مقامات بالای صنعتی و اقتصادی پایگاه شامخی داشت و از روابط حسنه‌ای با محافل صنعتی و طبقات بالای رژیم برخوردار بوده. بر اساس اطلاعات مندرج در کتاب «فراماسونرها، روتارین‌ها و لایزه‌های ایران»، منتشره از سوی «مرکز اسناد انقلاب اسلامی»، در سال ۱۳۷۷؛ حبیب القانیان عضو لژ فراماسونری ابوعلی سینا، سعدی، فرانس، همایون، فارابی، شاپتر، مولوی و کمال سقراط بود. با پیروزی انقلاب اسلامی القانیان دستگیر و در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و سپس اعدام شد.

۱- سند ساواک، به شماره‌ی ۵۶۵۹، مورخ ۴۵/۱۰/۱۷

۲- سند ساواک، به شماره‌ی ۲۸۱۸۱ / ۴ هـ / ۴۵/۱۱/۱۹

به موازات حضور و رفت و آمد مقامات و نمایندگان اتحادیه جهانی اسرائیلی در میان یهودیان ایران، نمایندگان مجامع و محافل یهودی ایران نیز همواره در مجالس و مراسم آلیانس در خارج از کشور حضور و شرکت داشتند.

گزارش ساواک در خصوص شرکت لطف‌اله حی، در سال ۱۳۴۹ شمسی، در کنگره آلیانس در فلسطین تحت اشغال صهیونیست‌ها چنین حکایت می‌کند:

موضوع: تشکیل کنگره آلیانس در اسرائیل

طبق دعوت قبلی و به شرح جزوه‌ی چاپی پیوست در تاریخ بیست و پنج خردادماه گذشته، کنگره فرهنگی آلیانس یهود که مرکز آن کشور فرانسه می‌باشد در کشور اسرائیل تشکیل گردیده است.

در این کنگره نمایندگان آلیانس از اکثر کشورها منجمله آمریکا، کانادا و فرانسه شرکت داشته‌اند. مسئولان تشکیل کنگره مزبور از کلیمی‌های ایران نیز دعوت کرده بودند تا در کنگره شرکت نمایند و با توجه به این که لطف‌اله حی نماینده مجلس شورای [ای ملی] و نایب رئیس کمیته انجمن خیریه و بهداشتی [اتحاد] یهود قصد مسافرت به اسرائیل به منظور معاینه طبی داشته لذا از طرف رئیس انجمن اتحاد (حییب القانین) به وی مأموریت داده می‌شود تا در جلسات کنگره مزبور شرکت کند. [...] ^۱

حضور لطف‌اله حی در کنگره بین‌المللی آلیانس در اسرائیل حداقل از دو جنبه حائز اهمیت تلقی می‌شد. اول این که سخنرانی او در تعریف و تمجید از محمدرضا شاه و دستگاه سلطنت پهلوی و جایگاه ممتاز یهود در ایران شاهنشاهی، باعث شد که پس از بازگشت به شدت مورد تشویق و تقدیر ساواک و مقامات حکومتی قرار گرفت. دوم این که نام‌برده در پایان سخنرانی خود در کنگره آلیانس به نیابت از هشتاد هزار یهود

ایران، نسبت به تلاش و اقدام این سازمان در ایجاد «میکوه اسرائیل» در فلسطین اشغالی ابراز خوشحالی و تقدیر نمود.

لطف‌اله حی در بخشی از سخنرانی خود گفت:

«استاد بزرگوار جناب آقای رنه کاسن

آقای رئیس، خانم‌ها و آقایان!

جامعه یهود ایران سالیان دراز است که در انتظار چنین فرصتی است تا مراتب عمیق صادقانه و همه‌جانبه قدرشناسی و تشکر خود را نسبت به دستگاه آلیانس ایزرائیلیت تقدیم کند. [...] در شرایط حاضر جامعه ۸۰ هزار نفری ما تحت سرپرستی و رهبری عالی‌ه شاهنشاه عظیم‌الشأن ایران محمدرضا شاه پهلوی آریامهر انسان بزرگ قرن معاصر به موازات و حتی بیش از حد متوسط ملت ایران از لحاظ فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی پیش رفته است. به طوری که تقریباً در جامعه ما فرزندی که تحصیل نکند وجود ندارد و تعداد دانشجویان ما در دانشگاه‌های داخل و خارج به مراتب بزرگ‌تر از پورسانتاژ متوسطه‌ی مملکتی است. [...] به طور یقین زیربنا و حرکت اولیه این ترقی و پیشرفت جامعه‌ی یهودی ایران در دوران ما مرهون زحمات و فعالیت‌های آلیانس و معلمین فداکار آن در ایران بوده که نزدیک یک قرن پیش در یک محیط تاریکی و جهل به کمک ما آمدند و صمیمانه به روشنی افکار فرزندان این جامعه و بسیاری از مردم آن و همچنین بالا بردن سطح معلومات آن‌ها کوشش کردند. [...]

جناب آقای رئیس!

جامعه‌ی یهودی ایران تقاضا دارد مراتب تشکر قلبی و قدرشناسی صادقانه‌ی ما را در این جشن فرخنده که به مناسبت یکی از بهترین مظاهر کوشش و فعالیت آلیانس در

ایجاد میکوه اسرائیل برپا شده پذیرفته و به برادران عزیز ما اعضای جامعه یهود فرانسه و اولیای کارکنان آلیانس ابلاغ فرماید.^۱

به هر روی، با بررسی مجموع رویدادهای مورد اشاره، این نتیجه به دست می‌آید که: «آلیانس»، «مادر» تشکل‌های صهیونیستی در جامعه‌ی یهود ایران بوده است.



۱- متن سخنرانی لطف‌اله حی، در کنگره‌ی آلیانس در اسرائیل، ۴۹/۳/۲۵، پیوست همان سند